

تجزیه و جنگ داخلی؛ پایه های استدلال کرزی در امتناع از امضای پیمان امنیتی محمد اکرام اندیشمند

یکی از دلایل امتناع رئیس جمهور کرزی از امضای پیمان دو جانبه امنیتی با امریکا و مشروط سازی امضای پیمان در تأمین صلح بوسیله امریکایی ها، به خطر تجزیه و جنگ داخلی در افغانستان بر میگردد. این استدلال اخیراً پیوسته اما نه بصورت بسیار آشکار از سوی رئیس جمهور و اطرافیان رسمی و غیر رسمی شریک قدرتش در درون ارگ مطرح می شد و از سوی اطرافیان و هم نشینان دور و بر سیاست و حاکمیت او تکرار می گردید. دلایل آنها به سادگی بیان می شد: اگر پیمان دو جانبه امضاء شود، امریکا صاحب 9 پایگاه در افغانستان می شود، اما افغانستان به صلح و ثبات که اولین نیازمندی اش است دست نمی یابد. امریکایی ها در پایگاه شان تماشاجی باقی میمانند. دست پاکستان را به دخالت و حمایت از طالبان باز میگذارند و طالبان را اجازه میدهند که چند ولایت را در جنوب تصرف کنند. دو دولت و دو حکومت در افغانستان ایجاد می شود:

1- دولت جمهوری اسلامی در کابل.

2- امارت اسلامی تحریک طالبان در جنوب.

افغانستان در جنگ داخلی فرو میرود. بخش اعظم این جنگ در جامعه پشتون خواهد بود و پشتونها در دو سوی دیورند قربانی این توطئه دراز مدت می شوند. در حالی که این استدلال از سوی رئیس جمهور کرزی و اطرافیانش بصورت غیر رسمی و بدور از چشم مطبوعات مطرح و بحث می شد، سرانجام وی روز یکشنبه 29 جدی 1392 (19 جنوری 2014) در اجلاس شورای امنیت ملی و کمیسیون بررسی تلفات بمباران اخیر نیروهای ناتو بر سیاه گرد غوربند (25 جدی/15 جنوری) این بحث را علنی ساخت. او امضای پیمان را موجب ایجاد ملوک الطوایفی خواند؛ هر چند که بصورت واضح و آشکار از خطر تجزیه و جنگ داخلی سخن نگفت.

آیا استدلال و برداشت رئیس جمهور در مورد تبعات پیمان امنیتی درست است؟ آیا کرزی در این مورد به عنوان رئیس جمهور با اطلاع کامل از برنامه امریکایی ها مبنی بر فرو رفتن افغانستان در جنگ داخلی و تجزیه سخن می گوید؟

صرف نظر از اینکه دیدگاه و پاسخ رئیس جمهور به پرسش های مذکور چگونه ارائه می شود، اما نکات بسیار مهمی بر سر امضای پیمان امنیتی با امریکا در هر گونه ابراز نظر و پاسخ ایشان قابل پرسش و مورد بحث و تحلیل است:

1 - اگر رئیس جمهور شواهد و اسنادی مبنی بر پلان امریکایی ها را در اختیار دارد که در صدد ایجاد ملوک الطوایفی و در واقع تجزیه و جنگ داخلی افغانستان هستند، چرا مردم را از چنین خطر بزرگ آگاه نمی سازد؟

2 - اگر رئیس جمهور کرزی امضای پیمان را به اجرای مطالبات خود در جهت تأمین صلح بوسیله امریکا و پاکستان مشروط می سازد، چرا او دلایل اجتناب امریکایی ها و پاکستانیها را از پذیرش این مطالبه، و خواست آنها را در برابر خواست های خویش با شفافیت بیان نمی کند؟

3 - اگر رئیس جمهور همچنان از دخالت و خصومت پاکستان سخن می گوید و از افزایش این دخالت و خصومت پس از امضای پیمان امنیتی ابراز نگرانی می کند، او چرا نتوانست در بیست نوبت سفر رسمی به پاکستان و گفتگوهای مداوم در این دوازده سال به دخالت و دشمنی پاکستان نقطه پایان بگذارد و مشکل با پاکستان را حل کند؟

4 - اگر تبعات امضای پیمان به افزایش قدرت نظامی طالبان می انجامد و طالبان پس از آن قادر به تصرف ولایاتی در جنوب افغانستان می شوند و امارت یا حکومت طالبی خود را بصورت موازی با دولت افغانستان تشکیل میدهند، چرا شخص رئیس جمهور بصورت بسیار آشکار، سیاست و خط مشی تقویت طالبان را در پیش گرفته است؟

وقتی رئیس جمهور کرسی از افزایش قدرت نظامی طالبان و تسلط آنها بر چند ولایت جنوب نگران است، چرا او بصورت یک جانبه تمام زندانیان طالب را آزاد می کند و با جلوگیری از عملیات شبانه علیه طالبان و بمباران هوایی بر آنها، مانع تضعیف قوای طالبان می شود؟

کدام شخص و نهاد سیاسی و رسمی و کدام سیاست و عملکرد، موجب تقویت نیروهای نظامی طالبان و گسترش قلمرو متصرفات آنها می شود؟ زمام دار ای که طالبان را برادر می خواند و مانع سرکوب نیروهای جنگی شان می شود و یا آنها را به سرکوب طالبان می پردازند؟

5 - اگر امضای پیمان به گسترش و افزایش قدرت طالبان می انجامد و آنها را قادر به تصرف ولایاتی در جنوب می سازد، آیا سیاست رئیس جمهور کرسی در جهت جلوگیری از سرکوبی طالبان با امضای پیمان مذکور منطبق نیست؟ اگر چنین است، ریشه های اصلی تناقض این سیاست به کجا بر میگردد؟

6 - تردید و دوگانگی سیاست رئیس جمهور کرسی در رابطه با طالبان که بر پایه ترس و امید، نفرت و دلبستگی، دشمنی و دوستی، برادری و نابرداری استوار است، ریشه در کدام اهداف و آرمانهای وی دارد؟

7 - اگر رئیس جمهور سود و زیان امضای پیمان امنیتی با امریکا را از زاویه قومی مد نظر قرار میدهد، چرا اکثریت تمام اقوام افغانستان به خصوص پشتونها چه در پارلمان، چه در حلقه های روشنفکری و سیاسی و تمام نهاد های مدنی و در آخرین لویه جرگه دولتی، خواستار امضای پیمان هستند و آنرا در جهت منافع افغانستان تلقی می کنند؟